



برگزاری انتخابات تناسبی در تهران به شورای نگهبان ارجاع شد

یک گام به جلودر افزایش مشارکت

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی روز گذشته مجلس و در جریان بررسی گزارش کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها درخصوص طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس، با پیشنهاد جعفر قادری مبنی بر برگزاری انتخابات مجلس به صورت تناسبی در تهران موافقت کردند. پیش از این نمایندگان مجلس روز دوشنبه اول خرداد با ۱۲۸ رأی موافق، ۹۷ رأی مخالف و ۶ رأی ممتنع از مجموع ۲۴۶ نماینده حاضر در مجلس با حذف ماده ۵۷ طرح اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی درباره تناسبی شدن انتخابات مجلس در حوزه‌های انتخابیه با ۴ کرسی و بیشتر موافقت کرده بودند. حال اما بعد از حدود یک هفته تصمیم جدیدی درمورد تهران به‌عنوان یک استثنا اتخاذ شده تا درصورت موافقت شورای نگهبان شاهد برگزاری انتخابات تناسبی در این شهر باشیم. البته اینکه بعد از موافقت احتمالی شورای نگهبان این قانون در مورد انتخابات آتی مجلس نیز اعمال شود بستگی به نظر وزارت کشور دارد؛ چراکه فرآیند قانون انتخابات مجلس رسماً آغاز شده است. پیش از این طی چندین گزارش در «فرهیختگان» ضمن تشریح شیوه انتخابات تناسبی مزایای این مدل انتخاباتی برای بهبود فضای سیاسی کشور را بررسی کرده بودیم. به بهانه تصویب قانون تناسبی شدن انتخابات در شهر تهران مختصراً آنچه پیش از این به آن پرداخته بودیم را بازخوانی کرده‌ایم.

چرا باید نظام انتخابات کشور ترکیبی از اکثریتی و تناسبی باشد

اگر ساکن یکی از کلانشهرهای کشور باشید و برای رای دادن به کاندیداهای انتخابات مجلس یا شورای شهر پای صندوق رفته باشید، احتمالاً با انبوهی از اسامی شناخته و ناشناخته مواجه شده‌اید که منطق شناخت کافی نسبت به همه آنها نداشته‌اید. درنهایت نیز به ناگزیر یا رای سفید داده‌اید یا با دیدن اسم یکی از شخصیت‌های مشهور سیاسی به تمام افرادی که همراه با او در یک لیست حضور دارند رای داده‌اید یا اینکه بدون آگاهی از توانمندی افراد صرفاً با اولین اسامی که برایتان آشنا به‌نظر رسیده برگ رای را پر کرده‌اید. اگر مهم‌ترین اصل برای انتخاب آگاهانه را شناخت کافی نسبت به همه افراد بدانیم، واضح است به‌دست آوردن چنین شناختی نسبت به صدها کاندیدای انتخابات مجلس یا هزاران متقاضی ورود به شورای شهر آن هم در مدت زمان کوتاه تبلیغات انتخاباتی میسر نبوده و امری تقریباً غیرممکن است. البته چنین چالشی شاید برای شهرهای کوچک و با تعداد کاندیداهای کمتر خیلی مشهود نباشد اما پیاده‌سازی الگوی انتخاباتی اکثریتی که بیشتر برای شهرهای با جمعیت کم کارکرد دارد در تمامی شهرها اکنون به چالشی بزرگ برای کشور تبدیل شده است. نظام انتخاباتی اکثریتی باعث شده به‌جای تقویت نظام حزبی شاهد تأثیر لابی‌های سیاسی بر انتخاب افراد باشیم. در زمان برگزاری انتخابات در شهرهای بزرگ افراد برای رای آوری بیشتر به‌جای ارائه درست ایده‌های حکمرانی خود برای حل مشکلات کشور تلاش می‌کنند با لابی‌های پشت‌پرده هم‌زمان در چند لیست انتخاباتی مختلف قرار بگیرند تا شانس رای آوری خود را بالا ببرند. با پایان رقابت‌ها از آنجا که سازوکار بسته‌شدن این لیست‌ها کاملاً غیرشفاف است، هیچ‌گونه مطالبه کارآمدی از منتخبان حاضر در لیست‌های انتخاباتی نمی‌توان داشت و این امر یعنی مردم بدون اینکه از مواهب نظام حزبی استفاده کنند معایب آن را متحمل می‌شوند.

شیوه برگزاری انتخابات تناسبی

هر گروه سیاسی لازم است متناسب با تعداد کرسی‌های موجود در حوزه انتخابیه فهرست نامزدهای مورد تأیید خود را به وزارت کشور معرفی کند. وزارت کشور پس از کسب اطمینان از رضایت افراد حاضر در لیست و طی سایر روال‌های قانونی اقدام به انتشار تمامی فهرست‌های مجاز در انتخابات می‌کند. در این الگو هر فرد تنها امکان حضور در یک فهرست انتخاباتی را خواهد داشت. فهرست‌های انتخاباتی باز بوده و در زمان رأی گیری شهروندان می‌توانند به تشخیص خود به هر نامزدی از هر فهرستی رأی دهند. طبعاً فردی که در هر فهرست تعداد آرای بیشتری را تصاحب کند اولویت بالاتری نسبت به سایر اعضای فهرست خواهد داشت. جمع‌بندی آرا این‌گونه است که آرای نامزدهای هر فهرست با یکدیگر جمع می‌شود، مجموع آرای تمامی اعضای هر فهرست رأی آن فهرست قلمداد می‌شود، میزان آرای هر فهرست به نسبت کل آرای تمامی نامزدها نشان دهنده درصد آرای فهرست مذکور از کل آراست. بر مبنای سهم هر فهرست از کل آرای حوزه انتخابیه، تعداد کرسی‌های آن فهرست از کرسی‌های نمایندگان آن حوزه انتخابیه مشخص خواهد شد. پس از تعیین تعداد کرسی‌های هر فهرست از کرسی‌های نمایندگی حوزه انتخابیه، افراد داخل هر فهرست به ترتیب آرای کسب‌شده رتبه‌بندی می‌شوند. با تعیین ترتیب نامزدها در هر فهرست نمایندگان راه‌یافته به مجلس معرفی می‌شوند. به‌طور مثال در شهر تهران که صاحب ۳۵ کرسی در مجلس است اگر ائتلاف A، ۵۳ درصد آرا، ائتلاف B، ۴۰ درصد و چهره‌های مستقل ۷ درصد آرا را به دست بیاورند، هر یک از ائتلاف‌های A، B و ۸۰ چهره‌های مستقل به ترتیب صاحب ۱۶، ۱۲، ۲ و کرسی در پارلمان خواهند شد.

برخی از نتایج برگزاری انتخابات تناسبی افزایش مشارکت در انتخابات در الگوی تناسبی

به‌دلیل آنکه گروه‌های اصلی سیاسی حذف نشده و گروه‌های مختلف متناسب با میزان آرای کسب‌شده واجد کرسی‌های نمایندگی می‌شوند انگیزه مشارکت در انتخابات در میان طرفداران آنان افزایش می‌یابد.

تقویت تشکل‌های سیاسی

بدون ایجاد انتخابات حزبی در الگوی اکثریتی به جهت ماهیت فردمحور آن، فردگرایی در انتخابات افزایش می‌یابد. همچنین نامزدهای پیروز فهرست‌های انتخاباتی، هیچ احساس نیازی به نامزدهای شکست‌خورده فهرست خود نمی‌کنند و ارتباط آنان پس از برگزاری انتخابات قطع می‌شود. این در حالی است که در الگوی تناسبی محوریت با کار جمعی و تشکیلاتی است لذا در الگوی تناسبی افراد و شخصیت‌های سیاسی هم‌فکر از رفتارهای انفرادی فاصله گرفته و به سمت کنش‌های تشکیلاتی سوق پیدا خواهند کرد.

تطابق با ساختار ریاستی و تقویت نظارت اقلیت بر اکثریت

در کشورهایی که دارای ساختار ریاستی هستند انتخابات قوه مجریه جدای از انتخابات قوه مقننه است. در نظام‌های ریاستی، مجلس فاقد نقش اجرایی بوده و دارای شانی نظارتی است، لذا در چنین ساختارهایی برای انتخابات مجلس الگوی انتخاباتی تناسبی توصیه می‌شود تا همه سلایق فکری در مجلس حاضر بوده و نظارت اقلیت بر اکثریت تقویت شود.

امکان شکل گیری رقابت‌های درون حزبیانی

در الگوی تناسبی دیگر نیازی به «وحدت درون حزبیانی» نبوده و گروه‌های مختلف جریان‌ات سیاسی می‌توانند مستقل وارد انتخابات شده و متناسب با سبدرآی خود کرسی‌های نمایندگی را به دست آورند. در چنین الگویی وحدت یا عدم وحدت گروه‌های مختلف جریان‌ات سیاسی تأثیری درنتیجه‌نهایی آرای آن جریان سیاسی نخواهد داشت و گروه‌ها به‌جای صرف انرژی برای ائتلاف ناگزیر به ارائه ایده خود خواهند بود.

سیاست

چرا ایده امکان توقف جنگ پس از فتح خرمشهر واقعی نیست

جنگ با واقعیت‌های دهه ۶۰



را مجبور به عقب‌نشینی از خاک ایران و پذیرش آتش‌بس کنند.

صدام را فقط باید «وادار» به عقب‌نشینی می‌کردیم

همان‌طور که اشاره شد، یکی از مواردی که برخی با استناد به آن از امکان توقف جنگ بعد از آزادسازی خرمشهر سخن به میان می‌آورند ادعای قبول پرداخت غرامت به ایران از جانب سایر کشورهای عربی است. ادعایی که هیچ‌سندی مبنی بر صحت آن وجود نداشته و اتفاقاً گزاره‌های متعددی برای ردش وجود دارد. اولاً اینکه مهم‌ترین بهانه جنگ عراق با کویت بدهی‌های انبوه ناشی از جنگ هشت ساله دولت بعثت به دولت‌های عربی بود که صدام با این توجیه که جنگ با ایران منافع دولت‌های عربی را تأمین می‌کرده از پرداخت آن سر باز می‌زد. با این توصیف چگونه می‌توان توقع داشت دولت‌های عربی که خود پیگیر وصول مطالبات‌شان از بغداد هستند گامی فراتر نهداده و خسارت‌های ناشی از جنگ را نیز به خود تحمیل کنند. نکته دیگری که باید به آن توجه کرد این است که خود را در به هیچ‌معاهده بین‌المللی پایبند نمی‌بینند تاوانست حتی در صورت رسیدن به یک صلح بدون پشتوانه هیچ‌تضمینی برای پایبندی صدام به آن وجود نداشت. صدام ۲۶ شهریور ۱۳۵۹ قرارداد الجزایر را با ادعای تسلط کامل بر آبراهه اروندر درمقابل دوربین‌های تلویزیونی پاره کرد و ۵ روز بعد در ۳۱ شهریور نیروهای خود را در یک تهاجم سراسری به‌سمت مرزهای ایران گسیل داشت و بخشی از خاک کشورمان را به اشغال درآورد. این تجربه به‌وضوح نشان می‌دهد که صرفاً امضای یک معاهده صلح با فردی که خود را در هیچ معاهده بین‌المللی پایبند نمی‌بیند نمی‌توانست متضمن پایان جنگ باشد مگر اینکه ایران برای وادار کردن صدام به عقب‌نشینی و پایان جنگ، اهرم فشار دیگری به‌دست می‌آورد. در غیر این صورت هیچ‌مانعی برای اینکه از هجوم مجدد نیروهای بعثت پس از تجدید قوا جلوگیری کند وجود نداشت.

سازمان‌های بین‌المللی هم بی‌طرف نبودند؛ حکمی در کار نبود

یکی از مواردی که در اظهارات مدعیان امکان صلح پس از آزادسازی خرمشهر بروز دارد اعتماد بی‌جا به شورای امنیت سازمان ملل به‌عنوان نهادی است که قرار بود بین دو کشور صلح برقرار کند حال آنکه کنش‌های شورای امنیت در مورد جنگ ایران و عراق بی‌طرفی این شورا را کاملاً زیر سوال برده و آن را تحت امر دولت‌های غربی حامی صدام نشان می‌داد. این شورا که در زمان تحکیم مواضع رژیم بعثت در داخل خاک ایران سکوت را برمی‌گزید هر زمان که پیشروی از جانب ایران رخ می‌داد بی‌بانه‌ای صادر کرده و از گسترش جنگ و ادامه حملات ابراز نگرانی می‌کرد. شورای امنیت اولین‌بار پیشنهاد صلح را در قطعنامه ۵۱۴ مورخ تیرماه سال ۶۱ مطرح کرد، یعنی زمانی که ایران عملیات‌های پیروزمندانه طریق القدس (آذرماه ۱۳۶۰) و فتح‌المبین (بهمن‌ماه ۱۳۶۰) را به اجرا درآورده و با عملیات بیت‌المقدس در اردیبهشت سال ۶۱ شهر خرمشهر را از دست دشمن بعثی خارج ساخته بود. یکی دیگر از دلایل عدم‌رعایت اصل بی‌طرفی در تصمیمات شورای امنیت، تلاش این شورا برای مرتبط‌توصیف کردن موارد نقض حقوق انسانی با کل مساله جنگ بود. درمورد جنگ عراق با ایران، شورای امنیت ۴ بیانیه و ۲ قطعنامه درمورد کاربرد سلاح‌های شیمیایی توسط عراق صادر کرد. هرچند گزارش‌های روشن و صریح کارشناسان اعزامی سازمان متحد مدارک لازم را برای موضع‌گیری قاطع شورا فراهم ساخته بود، لیکن به‌جز آخرین قطعنامه (۶۲۰)، قطعنامه‌های دیگر و بیانیه‌ها هیچ‌یک نشان‌دهنده توجه کامل و جدی شورا به وظایف انسانی‌اش نبود. شورا همچنین در امر جلوگیری از حمله به مناطق مسکونی نیز به‌رغم استقرار هیات‌هایی در دو کشور موفقیتی نداشت. در سوی مقابل شورا که اقدامات ضدانسانی عراق را پیامد جنگ می‌دانست و با آن مدارا می‌کرد اقدامات تقابلی ایران در جنگ خلیج فارس را برنتابیده و اعتقاد نداشت که این موارد نیز بخش دیگری از پیامدهای جنگ است. در همین رابطه می‌توان صدور قطعنامه ۵۵۲ در واکنش به اتفاقات جنگ خلیج فارس را اقدام جانبدارانه دیگری به‌زیان جمهوری اسلامی ایران دانست. اقدامی که بدون توجه به ریشه‌های شکل‌گیری جنگ محکومیت ایران را هدف قرار داده بود.

نامه جلب کرده است که مرحوم امام در جمله‌ای نوشته‌اند «آنان می‌دانند امروز با فتح خرمشهر مظلوم «جنگ خاتمه یافته‌است» و دولت و ملت پیروزمند از موضع قدرت سخن می‌گویند» اما در نسخه کپی‌شده دست‌خط امام که قرار بوده است برای رسانه‌ای شدن به صداسویما برسد عبارت «جنگ خاتمه یافته‌است» مخدوش شده. البته در این گزارش برعکس توضیحاتی که در کانال پایگاه خبری جماران ذیل عکس دست‌خط امام آمده و این شبیه تکراری که «برخی فرماندهان بوده‌اند که اجازه نداده‌اند جنگ تمام شود» را به ذهن متبادر می‌کند، به‌خوبی توضیح داده شده که این اقدام بعد از موافقت خود امام انجام شده و دلیلش را هم تشریح می‌کند. نکته دیگر آنکه در همین گزارش درباره راهبردهای نظام برای ماه‌های بعد از آزادسازی خرمشهر به نقل از مرحوم هاشمی‌رفسنجانی که در جلسه سران حضور داشته است می‌خوانیم. مرحوم هاشمی نقل می‌کند که امام خمینی در این جلسه با ورود ایران به خاک عراق مخالف بوده است «نه با ادامه جنگ». در این باره سخنان مرحوم سیداحمد خمینی هم در دسترس است که می‌گوید امام خمینی ابتدا موافق ادامه داشتن جنگ بعد از آزادی خرمشهر و ورود به خاک عراق برای تنبیه صدام نبوده‌اند اما اسناد تأیید می‌کند بعد از آزادسازی خرمشهر و جلساتی که فرماندهان دفاع مقدس با امام داشتند و طی آن، واقعیت‌های میدانی جنبه‌های جنگ را با ایشان مطرح کرده‌اند، امام خمینی (ره) هم حفظ تمامیت ارضی ایران را در تداوم روند دفاع مقابل ارتش رژیم بعث تشخیص داده‌اند. هرکس نگاهی گذرا به اسناد به‌جامانده از وضعیت جبهه‌های جنگ بعد از پیروزی عملیات الی بیت‌المقدس داشته باشد درمی‌یابد کشور نسبت به دشمن بعثی در چه شرایطی قرار داشت. شرایط اعلامی ایران برای صلح، «معرفی رژیم بعث به‌عنوان آغازگر جنگ از سوی نهادهای بین‌المللی و تنبیه متجاوز از طریق محکومیت دولت صدام به پرداخت غرامت به ایران» بود که از سوی سازمان‌های بین‌المللی مورد بی‌توجهی قرار گرفت. در کنار این بی‌توجهی به شرایط ایران، نکته بسیار حائز اهمیتی که راهی جز ادامه جنگ پیش‌روی ایران نمی‌گذاشت آنکه بخش‌هایی از خاک ایران هنوز در اشغال ارتش رژیم بعثت بود. در چنین شرایطی، ادامه جنگ با هدف بیرون راندن نیروهای اشغالگر تنها راه‌حل منطقی موجود برای ایران بود. نکته قابل توجه درباره غرامت آنکه گفته می‌شود جنگ ۸ ساله بی‌نتیجه علیه ایران، حدود ۷۰ میلیارد دلار بدهی روی دست صدام گذاشت که تقریباً نیمی از آن به پول‌هایی برمی‌گشت که رژیم بعثت از دولت‌های عربی برای شکست دادن ایران دریافت کرده بود. همین مساله هم بود که تقریباً به یکی از ریشه‌های شکل‌گیری حمله عراق به کویت تبدیل شد. از آنجایی هم که سازمان‌های بین‌المللی هیچ اراده‌ای برای وادار کردن دولت صدام به پرداخت غرامت ایران از خود بروز نمی‌دادند، منطقی‌ترین تصمیم، ادامه جنگ برای تنبیه رژیم بعثت و وادار کردن او به پذیرش شروط ایران به نظر می‌رسید.

همه تاریخ را روایت کنید؛ بخش‌هایی از خاک ایران هنوز در اشغال بود

همان‌طور که اشاره کردیم، علاوه‌بر اینکه سازمان‌های بین‌المللی نسبت به شروط ایران بی‌توجه بودند و همین باعث شد مقامات کشورمان، آتش‌بس در آن مقطع را به ضرر منافع ملی ایران بدانند، نکته‌روشن دیگر آن بود که نقاطی در شلمچه، طلائیه و طول مرز ایران و عراق، حداقل فکه تا قاصرشرین در اشغال نیروهای رژیم بعثت قرار داشت. همچنین سومار، مهران و نفت‌شهر هم از دیگر نقاط مهمی بودند که هنوز آزادسازی نشده بود. در چنین شرایطی بود که برخی تصمیم‌گیران به این نتیجه رسیدند که برای حمله به عمق خاک عراق و تصرف بخش‌هایی از این کشور برنامه‌ریزی کنند. هدف‌شان از این تصمیم هم وادار کردن صدام به پذیرفتن شروط ایران بود. با اینکه احتمال داشت ورود به خاک عراق واکنش سازمان‌های بین‌المللی را برانگیزد ولی مقامات کشورمان درنهایت با توجه به اینکه این نهادها نسبت به شروط ایران برای پذیرش آتش‌بس واکنشی بروز ندادند و در جهت آن اقدامی نکردند به این جمع‌بندی رسیدند که فقط از این طریق می‌توانند شخصیت یاغی و جاه‌طلبی مثل صدام را تنبیه کرده و سران ارتش رژیم بعث

فرهیختگان مراسم‌های دولتی و بزرگداشت‌های حاکمیتی پرخرج و البته پر بنر امسال در گرامیداشت سالروز آزادسازی خرمشهر از لوث اشغالگران رژیم بعثت هم تمام شد و احتمالاً بنرهای چند متر در چند متر مزین به جمله «خرمشهر را خدا آزاد کرد» امام که در پس‌زمینه‌اش تصویری از مسجد جامع خرمشهر است و پایین آن هم نام و لوگوی اداره برگزارکننده مراسم درج‌شده به انبار می‌روند تا دوم خرداد سال ۱۴۰۳ مجدداً برای مراسم فردایش علم شوند.

با این وجود، هرقدر در اهتمام ورزیدن به مناسبت‌های تقویمی و برگزاری مراسم‌هایی در گرامیداشت روزهای بزرگی مثل سالروز آزادسازی خرمشهر جدی و دقیق هستیم، در پرداختن به گره‌های فکری بخشی از جامعه و یا در آرمانی‌ترین حالت جلوگیری از ایجاد آن‌گره‌ها عملکرد قابل قبولی نداشته‌ایم. البته در همین حوزه هم به نظر می‌رسد عملکردمان صرفاً در تولید اندیشکده، پژوهشکده، اتاق فکر و موسساتی شبیه به آن خوب بوده و به مرحله‌های جدی‌تر و پیچیده‌تر عملیات پژوهشی که می‌رسیم و قرار می‌شود خروجی ملموس و قابل دفاعی را به جامعه مخاطب عرضه کنیم، تازه معلوم می‌شود چقدر از اتمسفر حاکم بر فکر آن جامعه مخاطبی که برای خودتعریف کرده بودیم فاصله داریم. اینها را گفتیم تا به‌بهانه سالروز آزادسازی خرمشهر و دست به‌دست شدن دوباره برخی شبهات تکراری درخصوص تصمیم‌های نظام طی دوران دفاع ۸ ساله و یکی از مهم‌ترین مقاطعش مرور چندباره‌ای درباره آن مقطع خاص یعنی شرایط جنگ در زمان آزادسازی خرمشهر داشته باشیم؛ مقطعی که بدون شک یکی از نقاط عطف دوران ۸ ساله دفاع مقدس را شامل می‌شود. اتفاقات پیش و پس از آزادسازی خرمشهر بارها از سوی پژوهشگران تاریخ مورد بررسی و مرور قرار گرفته اما همچنان شاهد آن هستیم که هرسال با نزدیک شدن به سالروز این پیروزی تاریخی رزمندگان ایرانی، شبهاتی با این جزئیات که اساساً چرا جنگ بعد از بازپس‌گیری خرمشهر ادامه پیدا کرد و آیا می‌شد در همان روزها با صدام به صلحی پایدار رسید که ما از پذیرش آن سر باز زدیم؟ یا شرایط دقیقاً عکس آن بود و ایران چاره‌ای جز ادامه دادن جنگ نداشت. البته شاید دقیق‌تر آن باشد که بگوییم ایران همچنان خود را ناگزیر به «دفاع» می‌دانست. همه اینها نشان می‌دهد پژوهشگران تاریخ طی سال‌های اخیر با همه زحماتی که کشیده‌اند، همچنان لازم‌بوده و هست که در این فضا به توضیح و تبیین بپردازند. توضیح و تبیینی که نتیجه‌اش حل گره‌های ذهنی بخشی از جامعه به‌خصوص جوانان جنگ و جبهه ندیده و در امنیت بزرگ‌شده بعضاً رسانه‌زده درباره این مقاطع مهم دفاع مقدس باشد. البته مساله‌ای که ما را بر آن داشت تا به مرور دوباره شرایط جنگ در زمان پیروزی عملیات الی بیت‌المقدس آزادسازی خرمشهر بپردازیم، نه فقط رفع برخی گره‌های ذهنی پیش‌آمده برای افکار عمومی، بلکه سندی بود که اخیراً از سوی پایگاه خبری جماران تحت عنوان «امام خمینی پس از «فتح خرمشهر» جنگ را خاتمه‌یافته دانسته بودند» منتشر شده است. در گزارش پیش‌رو به برخی سوالات مطرح‌شده در بین افکار عمومی بعد از انتشار این سند پاسخ داده‌ایم. سوالاتی که البته مشابه آن، پیش‌تر درباره نحوه آغاز جنگ هشت‌ساله هم مطرح شده بود و طی گزارشی تحت عنوان «دعایی علیه بازرگان» که ۱۳ آبان ۱۴۰۰ به چاپ رسید، با استناد به کتاب تازه منتشر شده آن روزهای عطاالله‌مهاجرانی یعنی «نقد تحریف‌مدن امام خمینی»، به ادعاهای مطرح‌شده از سوی برخی اعضای نهضت آزادی درباره دلایل شروع جنگ پاسخ دادیم. در گزارش پیش‌رو که بر دلایل تداوم جنگ بعد از آزادسازی خرمشهر تمرکز دارد، سعی کرده‌ایم با مرور وضعیت جبهه‌های جنگ و شرایط میدانی، دلیل ضروری بودن تداوم درگیری با هدف عقب‌راندن نیروهای رژیم بعثت از خاک کشورمان را مورد بررسی قرار دهیم.

۱۱۱

چرا ادامه «دفاع» بعد از آزادی خرمشهر عقلانی‌ترین تصمیم ممکن بود؟

پایگاه خبری نزدیک به موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) در گزارشی که به قلم آقای حمید انصاری، قائم‌مقام این موسسه منتشر شده است ضمن رونمایی از نامه‌ای به دستخط امام خمینی (ره) برای اولین بار، توجه‌ها را به بخش خط‌خورده این